

گفت‌وگوی روزنامه صبا با محمدابراهیم شهبازی کارگردان فیلم کوتاه «دریچه»

روایت روابط انسانی در پس زمینه جنگ

احمد محمد اسماعیلی
گفت‌وگو

جنگ در هر بُعد و سطحی تلخ، ویرانگر و مصیبت‌بار است. وقوع جنگ تحمیلی دوازده روزه باعث شد تا نسل معاصر در کشور، تجربه‌ای غریب و تلخ را پشت سر بگذارند. محمدابراهیم شهبازی، کارگردان جوان سینما، در فیلمش «دریچه»، فضایی فانتزی در بستری واقع‌نما را در قالبی با همراهی ایجاز و وفاداری به ساختار مینیمال برای روایتش انتخاب می‌کند؛ قصه‌ای ساده با تنها یک شخصیت مرکزی (پیرمردی سن و سال دار) را به گونه‌ای گسترش داده است که در عین بهره بردن از بیانی بی لکت و اثرگذار، معانی متفاوتی، از تأثیر روانی رسانه گرفته تا بروز خصلت زندگی بخش عشق را به شکلی مؤثر تصویر می‌کند. پیرمردی که در میانه جنگ، ماندن در شهر و کاشانه‌اش را ترجیح می‌دهد. با شهبازی درباره ساخت فیلمش و حضور در جشنواره فیلم فجر گفت‌وگویی انجام داده‌ایم.



بازسازی‌اش کردیم. در بحث انفجار و آسیب دیدن خانه از ویژگی‌های و فکت و جلوه‌های ویژه استفاده کردیم. در ادامه بحث قبلی، حضور بازیگر با انگیزه به مراتب از یک بازیگر شناخته شده کار می‌کند.

○ چند روز فیلمبرداری «دریچه» طول کشید؟

چند هفته پیش تولید داشتیم و بعد از آماده شدن گروه، فیلمبرداری در ۷ روز انجام شد.

○ با توجه به حضور فیلم در جشنواره جهانی فیلم کوتاه که به فاصله کمی با خاتمه جنگ ۱۲ روزه برگزار شد، واکنش مخاطب چگونه بود؟

واکنش‌ها خوب و دلگرم‌کننده بود و البته در بخش داوری و جوایز فیلم مورد بی‌مهری و کم‌لطفی قرار گرفت و در هیچ بخشی حتی جزو نامزدها هم نبودیم. در بخش فیلم منتخب مردم با اختلاف کمی با ۴ فیلم اول، فیلم پنجم جشنواره شدیم.

○ حضور در جشنواره فیلم فجر که محوریتش تمرکز روی فیلم‌های بلند سینمایی است، برایتان چه ویژگی‌هایی دارد؟

جشنواره فیلم فجر با سایر جشنواره‌ها رویکرد متفاوتی دارد و اساساً جشنواره تخصصی فیلم کوتاه نیست و در یکی دو دوره اخیر فیلم‌های جنگی را قابت نزدیکی با فیلم‌های اجتماعی در بخش داوری و جوایز داشته‌اند و این برایم نکته مهمی است.

کار بودند و یکی دو تا دیگر مختصات نقش را مد نظرشان ندیدند. البته این عدم پذیرش برای فیلم خیریت داشت و باعث شد رضا رباط‌جزی برای این نقش انتخاب شود.

○ آیا ایشان سابقه بازیگری دارد؟

از بازیگران با سابقه تئاتر است و چند فیلم کوتاه بازی کرده است و در سینما و چند سریال هم بازی داشته است. اگر قرار بود با بازیگر حرفه‌ای کار کنم، این فشاری که برای زود تمام شدن کار وجود داشت را نمی‌پذیرفت. اما رضا رباط‌جزی با این شرایط کنار آمد و حرفه‌ای کارش را انجام داد. در نظر بگیرد نقش پیرمرد دیالوگی نداشت و بازیگر باید مدام با کارگردان در چالش باشد که آیا فلان صحنه به لحاظ حس درست از کار درآمده و یا این‌گونه نشده است و رباط‌جزی صبورانه با شرایط و خواسته‌های من برای تکرار صحنه کنار می‌آمد و شاید بازیگر حرفه‌ای چنین کاری را انجام نمی‌داد. رباط‌جزی به کارش علاقه داشت و برایش انرژی و توان خرج کرد و این رویکرد باعث شد که او تمام وقتش را در اختیار کار قرار بدهد. رباط‌جزی برای اینکه در حس و حال و فضای فیلم باشد، همان روز اول از من خواست که در ۵ روز زمان فیلمبرداری در همان لوکیشن بخواهد و خانه نرود؛ که البته صاحب لوکیشن چنین اجازه‌ای نداد!

○ آیا از لوکیشن واقعی خانه‌ای که در جنگ آسیب دیده بود استفاده کردید؟

نه، خانه‌ای قدیمی بود که برای فیلم

○ ۱۲ روزه شروع شد؟

روزهای میانی جنگ ایده ساخت فیلم در ذهنم شکل گرفت. به تدریج طرح پخته و کامل شد و بعد از آرام شدن اوضاع به همراه تیم نویسنده، فیلم‌نامه کامل شد و بلافاصله ساخت فیلم شروع شد.

○ در ساختار فیلم‌نامه، حضور پیرمرد پیش‌برنده درام است...

فیلم شخصیت‌محور است؛ پیرمردی که در خانه تنها است و با صدای زنی در خانه بگل دستیش متوجه احتیاج به کمک این زن می‌شود. اتفاق حضور این زن فضای داستان را از فضای مردانه و جنگی دور می‌کند و داستان را می‌برد به سمت یک درام اجتماعی. به نوعی موتور محرکه درام، جنگ بود و روابط انسانی در درام محوریت پیدا می‌کند. ممکن بود شروع این ارتباط بین پیرمرد و زن بر اثر وقوع زلزله و سیل و یا هر رخداد دیگری باشد. البته در داستان ما باید حتماً عامل جنگ وجود می‌داشت و این جنگ باعث می‌شد که احساس کنیم کسی نیازمند حمایت است.

○ با توجه به تمرکز داستان روی بازیگر نقش پیرمرد، چگونه بازیگر این نقش را انتخاب کردید و آیا به استفاده از بازیگران حرفه‌ای و نام‌آشنا فکر کردید؟

انتخاب بازیگر بسته به سلیقه کارگردان است. در وهله اول برای انتخاب بازیگر سراغ بازیگران شناخته شده رفتیم، اما با فیلم‌نامه ارتباط برقرار نکردند.

○ چه بازیگرانی؟

بابک کریمی، حمید جبلی، و مسعود کرامتی و چند نفر دیگر جزو این بازیگران بودند. برخی سر

○ ایده شکل‌گیری فیلم «دریچه» چگونه در ذهن تان شروع شد؟

در دوران جنگ ۱۲ روزه اغلب مردم، از جمله خودم، در خانه بودیم. این خانه‌نشینی فرصتی فراهم کرد تا بیشتر فکر کنم. در چنین موقعیت‌هایی کسانی که اهل سینما و ادبیات و نوشتن هستند تلاش می‌کنند از دل این اتفاق چالش‌زا موقعیتی را برای نوشتن داستانی انتخاب کنند. سوژه من پدرانی بودند که تجربه جنگ ایران و عراق را داشتند و در مقابل خواسته فرزندانشان برای رفتن ترجیح می‌دادند بمانند. در این شرایط رفتار و روی‌آکنش آدم‌ها برای خلق درام مهم بود. در این بحث، رسانه و تأثیر آن در زندگی ما مهم بود؛ رسانه‌هایی که با انتشار خبر با اهدافی که داشتند می‌توانستند رعب‌آور و یا امیدبخش باشند. استفاده از فضای فانتزی و رئالیستی در روایت‌هایی پیرمرد هم ویژگی‌های خاص خودش را داشت.

○ فیلمبرداری «دریچه» چند روز بعد از خاتمه جنگ

